اخبار

پاداش وفاداری برای کاپیتان؛

لیونل مسی در سودای ورود به یک باشگاه جدید!

احتمالا لیونل مسی نیز در بین بازیکنان «تک باشگاهی» جای خواهد داشت.

در دنیای فوتبال مدرن لغت وفاداری اهمیت کمتری برای بازیکنان پیدا کرده و مسائل مالی عامل اصلی خراب شدن رابطه بین بازیکنان و باشگاه ها و تمایل ستاره ها به جدایی است.

اما لیونل مسی حالا و بعد از آنکه در سال ۲۰۰۴ توسط فرانک رایکارد در ترکیب اصلی بارسلونا قرار گرفت، ۱۶ سال است لباس این تیم را بر تن می کند و می تواند نام خود را در بین اعضای باشگاه بازیکنان «تک تیمی» به ثبت برساند.

بی شک به جز دریافت حقوق بالا، وابستگی احساسی و مسائل مالی نیز نقش مهمی در این تصمیم مسی داشته، زیرا بارسا در روزهایی که این بازیکن از نظر فیزیکی شرایط خوب نداشت روی او قمار کرد و لیونل مسی نیز به بارسلونا احساس دین می کند. در این روزگار کمتر بازیکن بزرگی علاقمند است برای همیشه در یک تیم بماند، اما مسی در سن ۳۳ سالگی علاوه بر وفاداری، از نظر فنی نیز فوق العاده ظاهر شده و این فصل ۲۵ گل زده و ۱۶ پاس گل نیز به ثبت رسانده است. کارنامه مسی تحسین برانگیز است؛ ۷۱۸ بازی (۶۳۶ دیدار به عنوان بازیکن فیکس)، ۶۲۷ گل، ۲۴۸ پاس گل، ۵۰۵ پیروزی، ۴۸ هت تریک، ۳۴ جام ...قرارداد مسی با بارسلونا در سال ۲۰۲۱ به اتمام می رسد و در سال ۲۰۱۸ نیز بندی به آن اضافه شد که امکان جدایی از بارسا را به ستاره آرژانتینی در تابستان ۲۰۲۰ هم می دهد. در این سالها تنها یک بار و در سال ۲۰۱۴ بود که مسی به علت مشکلات مالیاتی به ستوه آمده و تصمیم به جدایی گرفت، وگرنه او همیشه به لباس بارسلونا وفادار بوده و حتی این فکر به ذهن او نیز خطور نکرده است.

هنوز مشخص نیست لیونل مسی تا چه زمانی برای بارسلونا به میدان خواهد رفت، اما در حالت خوش بینانه او چهار سال دیگر نیز در ترکیب این تیم قرار خواهد گرفت و می تواند رکورد فوق العاده ۲۰ فصل پوشیدن لباس بلوگرانا را به ثبت برساند.البته بعید است لیونل مسی بتواند به طول دوران حضور پائولو مالدینی در میلان برسد. این مدافع ۲۵ فصل را در تیم میلان سپری کرده، ۹۰۲ بازی انجام داده و ۲۶ جام کسب کرد. پائولو در سن ۱۰ سالگی به باشگاه میلان پیوسته بود و در ۴۱ سالگی نیز بازنشسته شد تا از پدرش چزاره به عنوان بزرگترین افسانه میلان پیشی بگیرد.

نفرین سیاه یا تصادف عجیب؟

هرچه زمانِ بیشتری می‌گذرد، خرافات پیرامون پیراهن شماره ۹ میلان افزایش می‌یابد، پیراهنی که زمانی بر تن بزرگ‌ترین بازیکنان بوسه میزد و حالا کمتر کسی خواهان پوشیدن این شماره است. دقیقاً پس از بازنشستگی «فیلیپو اینزاگی» در سال ۲۰۱۲، نه بازیکن پیراهن شماره ۹ را بر تن کرده‌اند اما روی هم در این مدت فقط و فقط ۲۹ گل در رقابت‌های سری‌آ به ثمر رسانده‌اند.

عملکرد «کریشتوف پیانتک» به عنوان آخرین شماره ۹ روسونری نیز به شایعات و خرافات پیرامون نفرینِ سیاه این پیراهن افزود. ستاره‌ای که فصل گذشته پس از شروعی فوق‌العاده با لباس جنوا، در زمستان راهی سن‌سیرو شد. مسئولان وقت به او گوشزد کردند که باید لیاقت خود جهت پوشیدن شماره ۹ را به اثبات برساند. به این ترتیب پیانتک نیم‌فصل دوم فصل گذشته با پیراهن شماره ۱۹ پا به میدان گذاشت و ۹ بار نیز تور دروازه رقبا را به لرزه در آورد. این درخشش موجب شد در آغاز فصل جاری پیراهن شماره ۹ را تصاحب کند. اما این اتفاق پایانی بر گلزنی‌های ستاره لهستانی بود و او پس از زدن تنها چهار گل در زمستان، به هرتابرلین فروخته شد.

نفرین شماره ۹ میلان پس از اینزاگی برای ستارگان نامدار زیادی مشکل‌آفرین شده؛ از «گونسالو ایگواین» گرفته تا «فرناندو تورس». نفرینی که حتی به ستارگانِ جوانی همچون «آندره سیلوا» و «ماتیا دسترو» نیز رحم نکرده است.

«بندتا رادالی» مجری تلویزیون ایتالیا و یکی از مشهورترین هواداران باشگاه میلان در این خصوص می‌گوید: «فکر می‌کنم پای مسئله‌ای غیرطبیعی در میان باشد. پس از اینزاگی کسی روی خوش از این شماره ندید. به نظرم توان و انرژی پیپو هنوز در آن پیراهن وجود دارد زیرا او عاشق این شماره بود. اگر در باشگاه کاره‌ای بودم حتماً این پیراهن را بازنشسته می‌کردم. شاید این نفرینِ اینزاگی باشد که گریبان روسونری را گرفته است.»

داستان نفرین اینزاگی با «آلکساندر پاتو» کلید خورد؛ ستاره شماره ۷ میلان در تابستان ۲۰۱۲ پس از بازنشستگی اینزاگی، پیراهن شماره ۹ را پوشید اما درست پس از این اتفاق مصدومیت‌ها به سراغش آمد و پس از شش مصدومیت سخت و عدم گلزنی در سری‌آ ایتالیا با این پیراهن، به لیگ برزیل بازگشت. پس از ستاره برزیلی، «آلساندرو ماتری» در سال ۲۰۱۳ از یوونتوس به میلان پیوست و در یک نیم‌فصل در پانزده بازی تنها یک گل با این پیراهن به ثمر رساند تا در زمستان سن‌سیرو را برای همیشه ترک کند. در فصل بعد این پیراهن بر تن دو بازیکن نشست؛ ابتدا «فرناندو تورس» و سپس در نیم‌فصل دوم «ماتیا دسترو» با این پیراهن به میدان رفتند که روی هم چهار گل به ثمر رساندند!

در جولای ۲۰۱۵ «لوئیز آدریانو» مهاجم نامدار و گلزن برزیلیِ باشگاه شاختار پا به پایتخت ایتالیا گذاشت اما او هم نتوانست با این پیراهن بدرخشد. پس از او نوبت به «جیانلوکا لاپادولا» رسید که شرایط سخت این لباس را تجربه کند. در تابستان ۲۰۱۷، «آندره سیلوا» مهاجم جوان و مستعد پرتغالی به امید طلسم‌شکنی به میلان پیوست اما او نیز در انجام ماموریت ناکام بود.

ایگواین تابستان ۲۰۱۸ به صورت قرضی از یوونتوس به میلان منتقل شد و در همان لحظه ورود گفت: «من پیراهن‌هایی بر تن داشتم که همگی بار سنگینی داشتند، پس اطمینان داشته باشید که شماره ۹ میلان نیز برایم مشکلی ایجاد نخواهد کرد.» با این وجود، ستاره آرژانتینی هم پس از کذشت یک نیم‌فصل و زدن تنها شش گل، تصمیم گرفت با ترک میلان راهی چلسی شود.

پس از دوران اینزاگی، تنها پنج بازیکن میلان موفق شدند تعداد گل‌هایشان را دو رقمی کنند؛ «استفان الشعراوی»، «جیامپائولو پاتزینی»، «ماریو بالوتلی»، «کارلوس باکا» و «پاتریک کوترونه». جالب اینکه هیچکدام از این بازیکنان شماره ۹ روسونری را بر تن نکردند و البته تعداد گل‌هایشان نیز به عدد بیست نرسید. پیراهن شماره ۹ میلان که روزگاری بر تن «مارکو فان‌باستن»، «ژرژ وهآ» و اینزاگی بود حالا به یک پیراهن نفرین‌شده تبدیل گشته و پس از هر ناکامی فشار روی آن بیشتر می‌شود.

«آلساندرو بوچی» خبرنگار حوزه میلان در نشریه «گاتزتا دلا اسپورت» در این باره می‌گوید: «پیراهن میلان لباسی سنگین با مسئولیتی فراوان است و در این دوران فشار آن بیشتر از گذشته شده. روسونری در بحران قرار گرفته و همین امر نیز بر فشارها روی صاحب پیراهن شماره ۹ می‌افزاید.»

«مارک هیتلی» مهاجم دهه ۸۰ شیاطینِ سرخ‌ومشکیِ ایتالیا که شماره ۹ را بر تن کرده، این پیراهن را روی دیوار خانه‌اش آویخته است. او در تابستان سال ۱۹۸۴ از پورتسموث به میلان پیوست و پس از گلزنی در دربی «دلامادونینا» با ضربه سر معروفش که روسونری را پس از شش سال برابر اینتر به پیروزی رساند، جایی خاص در قلب هواداران سرخ‌های شهر میلان به دست آورد. او پسر «تونی هیتلی» بود که سابقه بازی برای چلسی و لیورپول را داشت. هیتلی بیشتر از همه درباره مقایسه‌ها می‌داند و می‌گوید زندگی در میلان را بدون توجه به بازیکنان گذشته کلید زده است: «هرگز به تیمی نرفته‌ام که بخواهم فکر کنم که چه کسانی در گذشته اینجا بودند. شما می‌توانید به اندازه خودتان خوب باشید، پس تمام تلاش خود را انجام دهید. مهم نیست چه کسی قبل از شما آنجا بوده‌اند و چه عملکردی داشته‌اند.»

در سال ۱۹۸۶ «سیلویو برلوسکونی» مالکیت روسونری را برعهده گرفت و از این تیم غولی بزرگ ساخت اما اکنون عصر طلایی این باشگاه که در این دوران با «آریگو ساکی» و «فابیو کاپلو» رقم خورد، هاله‌ای از فشار و انتظارات بالا را روی دوش بازیکنان این باشگاه قرار داده است. هیتلی در این باره می‌گوید: «باید در زمان مناسب در مکان مناسب باشید. انتظارات در میلان حالا به دوران فان‌باستن، رایکارد، مالدینی، کاستاکورتا و عصر پادشاهی در اروپا بازمی‌گردد. هر بازیکنی که به باشگاهی می‌آید با انتظار بالای هواداران مواجه می‌شود. اما بازیکنان جدید پیراهن شماره ۹ را می‌بینند در حالی که پیشینه‌اش را نمی‌دانند. به همین دلیل شرایط از دست‌شان خارج می‌شود.»

واقعیت امر این است که توان اقتصادی فعلی میلان به روسونری اجازه نبرد برای جذب بهترین بازیکنان را نمی‌دهد و آنها از باشگاه‌هایی مانند رئال مادرید، منچسترسیتی و پاری‌سن‌ژرمن در بازار نقل‌وانتقالات همواره عقب هستند. همین امر باعث شده آنها اکثراً مهاجم جوانی مانند سیلوا و یا پیانتک را جذب کنند، بازیکنانی که از آمادگی لازم برای حضور در باشگاهی همچون میلان برخوردار نیستند. بوچی در این خصوص می‌گوید: «زمانی که وارد گروه موفقی می‌شوید شرایط آسان است. شوچنکو عالی بود اما او کنار روی کاستا، مالدینی، نستا و چنین بازیکنانی بازی می‌کرد. پاتو هم در دوران موفقی به میلان پیوست اما رافائل لیائو حالا به یک میلان ضعیف پا گذاشته و نباید انتظارات از هم همچون شوچنکو باشد.»

«زلاتان ابراهیموویچ» اکنون از آمریکا به میلان بازگشته، ستاره‌ای که در آخرین اسکودتوی فتح شده توسط روسونری، بخشی از تیم بود و حالا در هشت بازی توانسته سه گل برای تیمش به ثمر برساند. ایبرا که شماره ۲۱ را بر تن کرده، طبق اعتقاد برخی می‌تواند راه‌حل پایان طلسم شماره ۹ باشد. این همان چیزی‌ست که اینزاگی می‌خواهد: «اگر کسی با شماره ۹ میلان گلزنی کند و موفق ظاهر شود، مطمئن باشید که من بیشتر از هر کسی خوشحال می‌شوم. بیایید این نفرین را تمام کنیم. بایگانی این پیراهن تصمیم درستی نیست، امیدوارم زلاتان بماند و این پیراهن را بر تن کند زیرا شجاعت کافی برای طلسم‌شکنی را دارد.»

ایبرا ۳۸ ساله تاکنون بارها نشان داده که هیچ ترسی از چالش‌ها ندارد؛ او به هر کجا پا گذاشته پیراهن شماره ۹ را بر تن کرده و میانگین ۰.۵۶ گل در هر بازی از خود به جای گذاشته است. در این بین برخی نیز از تمایل میلان به جذب «آرکادوئیز میلیک» و «مائورو ایکاردی» هم سخن گفته‌اند و یکی از این دو مهاجم را صاحب جدید پیراهن طلسم‌شده روسونری می‌دانند. ضمن اینکه «ژان پیر پاپین» بازیکن پیشین روسونری، معتقد است که مسئولان تیم باید این مسئولیت را به «ادینسون کاوانی» بسپارند.

هیتلی پیراهن شماره ۹ میلان را جایزه‌ای می‌داند که هر بازیکنی باید آن را دو دستی بپذیرند: «اگر اکنون به میلان می‌رفتم با خود می‌گفتم به سن‌سیرو می‌روم تا بهترین شماره ۹ باشگاه شوم. باید با چنین ذهنیتی وارد باشگاهی به این بزرگی شد.» با تمام این اوصاف، حقیقت این است که پیراهن بزرگ میلان طلسم شده و قطعا روزی، شخصی این طلسم و نفرین را خواهد شکسن. اما سوال اینجاست؛ چه کسی و چه زمانی؟

اخبار

کار فدراسیون و کی‌روش چگونه به دادگاه کشید؟

سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران بنابر قراردادی که بعد از جام جهانی ۲۰۱۸ با فدراسیون فوتبال ایران امضا کرد برای عنوان سومی جام ملت های آسیا مبلغ ۲۰۰ هزار دلار پاداش طلب کرده است؛ حال آنکه رقابت های جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۱۹ در کشور امارات فاقد دیدا رده بندی بوده و همین مسئله طرفین را به یک جنگ حقوقی وارد کرده است.برطبق قراردادی که میان فدراسیون ایران و کارلوس کی روش امضا شده، فدراسیون متعهد شده در صورت کسب عنوان سومی در رقابت ها، به کارلوس کی روش مبلغ ۲۰۰ هزار دلار پاداش پرداخت کند، اما با توجه به اینکه جام ملت های آسیا در دور جدید مانند جام ملت های اروپا فاقد دیدار رده بندی بوده و دیدارهای رده بندی نیز پلی آف تلقی می شده است، فدراسیون فوتبال از پرداخت این مبلغ به کی روش شانه خالی کرده است؛ موضوعی که با واکنش کی روش و اقدام سریع و شکایت او به فیفا منجر شده و سرمربی سابق تیم ملی فعلا راند اول پرونده را به سود خود تمام کرده است. کی روش که حالا در کلمبیا رویاهای جدید را دنبال می کند، بعد از خاتمه جام جهانی در مرز ماندن و رفتن، تصمیم به عقد قرارداد جدید و کوتاه مدتی با فدراسیون فوتبال ایران گرفت که مبلغ آن در حدود یک و نیم میلیارد دلار برآورد می‌شود. در عین حال کی روش برای حضور در مراحل مختلف جام ملت های آسیا پاداش هایی را در قرارداد خود لحاظ کرده است ولی عجیب ترین بند به قسمتی مربوط می شود که برای عنوان سومی در جام ملت های آسیا، مبلغ ۲۰۰ هزار دلار پاداش در نظر گرفته شده است؛ موضوعی که احتمالا در غفلت هر دو طرف قرارداد، روی کاغذ آمده و مورد توافق قرار گرفته است.از سویی فدراسیون فوتبال ایران با توجه به اطلاع از قوانین بازی ها، نمی تواند ادعا کند از عدم برگزاری مسابقات در دیدار رده بندی اطلاع نداشته و از طرف دیگر کارلوس کی روش با استناد به دفترچه جمع بندی جام ملت های آسیا ۲۰۱۹ و حضور ایران در عنوان سوم کلی (و نه رسمی) می تواند ادعا کند که ایران باید این پول را به وی پرداخت کند. تا اینجای کار استنادهای کی روش بیش از فدراسیون فوتبال ایران قابل قبول بوده و فیفا رای اولیه را برای پرداخت مبلغ ۲۰۰ هزار دلار و البته جریمه، به سود کی روش صادر کرده است. این در حالی است که فدراسیون فوتبال ایران با درخواست گرانت (جزئیات پرونده) قصد دارد این کیس را به دادگاه عالی ورزش (CAS) ببرد و در آنجا دوباره برای احقاق حق خود تلاش کند. با این حال به نظر نمی رسد با توجه به مستندات، نتیجه ای غیر از آنچه در فیفا دست کی روش را گرفته، نصیب فدراسیون فوتبال ایران شود.

چگونه سامر، پست لیبرو را در یورو ۹۶ احیا کرد؟

«من فراموش نکردم که از کجا آمده ام، اما می خواهم که بازیکن سال سراسر آلمان باشم و امیدوارم که دیگر کسی فرقی قائل نشود.» این ها جملات ماتیاس سامر، پس از دستیابی به عنوان مرد سال فوتبال آلمان، در سال ۱۹۹۶ هستند. جملاتی هوشمندانه از مردی که تا قبل از فروپاشی دیوار برلین، نماد فوتبال آلمان شرقی به حساب می آمد و پس از اتحاد شرق و غرب، نماد اتحاد سراسر سرزمین ژرمن ها شد. سامر برای نخستین بار در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰ و در برابر سوئیس پیراهن آلمان متحد را پوشید، در حالی که تنها سه ماه قبل از آن تاریخ، برای آخرین بار پیراهن آلمان شرقی را پوشیده بود. او اولین فوتبالیستی بود که در دو لیگ آلمان شرقی و آلمان متحد، عنوان قهرمانی را به دست آورد. در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با پیراهن دینامو درسدن، موفق به فتح لیگ آلمان شرقی شد و در سال های ۱۹۹۲ با اشتوتگارت و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ با پیراهن بروسیا دورتموند، قهرمانی در بوندسلیگا را جشن گرفت.

شاید در ابتدا دو منطقه شرق و غرب، پس از فروپاشی دیوار، به یکدیگر اعتماد چندانی نداشتند، اما این سامر جوان بود که در مستطیل سبز، به سمبلی برای نزدیکی و همبستگی دو کشور بدل شد و کمک کرد تا به سرعت زخم ها و تردیدهای گذشته التیام یابد. پس از قهرمانی آلمان غربی در جام جهانی ۱۹۹۰، برتی فوگتس، جانشین فرانتس بکن باوئر بزرگ در راس نیمکت تیم ملی آلمان شد.

مدافع بزرگ سال های دور مونشن گلادباخ و آلمان غربی که در سال ۱۹۷۴، همراه با آلمان غربی، به قهرمانی جام جهانی رسیده بود. فوگتس خیلی زود نشان داد که فردی مورد اعتماد است. او به مدت چهار سال دستیار فرانتس بکن باوئر بود و همراه با هم قهرمانی دنیا را در سال ۱۹۹۰، این بار به عنوان سرمربی و مربی، تجربه کردند. فوگتس به سرعت خط مش خود را تعیین کرد و توقعات خود را از تیم شرح داد.

سقف توقعات او در واقع بسیار بالا و بیش از حضور در فینال یورو ۹۲ بودند. فوگتس منطق خود را پی می گیرد و هرگز نیز از تصمیمات خود که البته همیشه هم مورد تایید نیستند، عقب نشینی نکرد. فوگتس به اولین مربی آلمان متحد تبدیل شد و در این میان پایه گذار تیمی متحد، اما با چالش بزرگ بسیاری شد. ماتیاس سامر، برگ برنده جدید از بلوک شرق بود و برتی فوگتس هم به خوبی اهمیت آن را می دانست و حالا دیگر ۹۰ میلیون آلمانی از رئیس برتی و تیمش حمایت می کردند.

پس از اتحاد، بسیاری از هواداران فوتبال در آلمان غربی که در گذشته خصومت های زیادی با سامر داشتند، به مقبولیت او مجاب شدند. برای بسیاری این مقبولیت ساده نبود، چون در گذشته سامر طبق اعتراف خود، برای مدتی در سازمان اشتازی (سازمان امنیت آلمان شرقی) فعالیت داشت. شاید حتی ماتیاس سامر بود که شعار و نماد اشتازی یعنی «دشمن کسی است که دگراندیش باشد» را از بین برد.

اولین آزمون آلمان متحد در یورو ۹۲ بود. جایی که در خاک سوئد تیم فوگتس تا فینال پیش رفت، اما اسیر دانمارک شگفتی ساز شد و نتوانست پس از فتح جام جهانی، به قهرمانی اروپا دست یابد. آلمان فوگتس در جام جهانی ۱۹۹۴، پیرترین تیم رقابت ها بود و فوگتس کماکان از زیر بار تصمیمات و ایده های خود عقب نشینی نکرد. مصدومیت ماتیاس سامر، اخراج عجیب اشتفان افنبرگ و نهایتا شکست در مقابل بلغارستان، پایان کار نه چندان دلچسب تیم با تجربه ولی کند فوگتس بود.

با تجربه های نظیر اشتفان افنبرگ، بودو ایگنر، آندریاس برمه و رودی فولر، از تیم ملی کنار می روند و زمان تغییرات و ساختار جدید برای برتی فوگتس، که حالا جایگاه خود را نه چندان اطمینان بخش می بیند، پس از جام جهانی آمریکا از راه می رسند. پس از جام جهانی ارزش های ماتیاس سامر هم دو چندان نمایان می شود. این را اوتمار هیتسفلد، به خوبی می داند. دورتموند اوج گرفته هیتسفلد در فصل ۱۹۹۴، پس از ۳۲ سال به قهرمانی آلمان لبخند زد. سامر نقش کلیدی را در این موفقیت ایفا کرد. او به عنوان یک بازیکن آزاد در خط دفاعی به خوبی از پس ارتباط بین خط دفاعی و خطوط هافبک و حمله برآمد و به عنوان مدافعی جلو زن و آزاد از بهترین های بوندسلیگا بود.

موفقیت های سامر، تنها به کسب قهرمانی با دورتموند محدود نشد و در پایان سال ۱۹۹۵، به عنوان مرد سال فوتبال آلمان انتخاب شد و این عنوان پیش درآمدی بر ۳ سال رویایی برای او بود. قهرمانی بوندسلیگا با اوتمار هیتسفلد در فصل ۱۹۹۵ هم تکرار شد و ارزش های حضور سامر در این موفقیت هم نمایان بود. نقش سامر به عنوان یک سوئیپر قهار پخته تر از قبل به نظر می رسید. سامر در طراحی حملات از خط دفاع در کنار سازماندهی دفاعی و قطع توپ و جلوگیری از ضد حملات حریف،با توجه به سرعت و مسئولیت پذیری تاکتیکی، به یک عنصر حیاتی در ترکیب دورتموند و مانشافت، مبدل شد و از راه رسیدن یورو ۹۶، بهترین فرصت برای پی بردن به ارزش های او، این بار در ترکیب تیم ملی آلمان بود.

برتی فوگتس رویکرد قبلی خود را ادامه داد، گرچه در یورو ۹۶، در مقایسه با جام جهانی ۹۴، تغییرات زیادی را اعمال کرد و بسیاری از هسته اصلی ترکیب آلمان دچار تحول شدند، اما کماکان تیم او، تیمی از لحاظ میانگین سنی، مسن و از دید بسیاری شانسش برای موفقیت، حداقلی بود.

با مشکلات ادامه دار اشتفان افنبرگ، پس از جام جهانی ۹۴ و دوری طولانی مدت او از ترکیب تیم ملی، راه برای نقش آفرینی ماتیاس سامر بیشتر هموار شد، اما فوگتس حتی قبل از آغاز جام، با چالش های بزرگ دیگری مواجه بود. لوتار ماتئوس با تجربه و پرآوازه به دلیل اختلافات شدید با کادر فنی و برخی بازیکنان، به اردوی تیم برای یورو دعوت نشد. این تصمیم فوگتس، یک طوفان را در مطبوعات و محافل فوتبالی آلمان ایجاد کرد و انتقادات فراوانی روانه او متوجه ساخت. اما مشکل فقط فوگتس نبود و درگیری ماتئوس با یورگن کلینزمن، نقش اصلی را در این قائله ایفا کرد. ماتئوس، کلینزمن را به اعمال نفوذ در تصمیم گیری برتی فوگتس متهم کرد و این مشکلات بر اردوی مانشافت هم صحه گذاشت. ناکامی فوگتس در یورو، به قیمت پایان کار قطعی او پس از ۶ سال سکان داری هدایت تیم ملی منجر می شد و او به خوبی این موضوع را می دانست. با این حال آلمان با انگیزه و با چالش های بسیار او پای به انگلستان گذاشت.

در نخستین دیدار، آلمان به مصاف جمهوری چک رفت. دو تیمی که نهایتا به فینال بازی ها هم رسیدند. کلینزمن به دلیل محرومیتی که از قبل با آن مواجه بود، در دیدار نخست غیبت داشت و فوگتس از زوج فردی بوبیچ-اشتفان کونتز در خط حمله استفاده کرد. ماتیاس سامر ۲۸ ساله در خط دفاعی سه نفره فوگتس در کنار توماس هلمر ۳۱ ساله و یورگن کولر ۳۰ ساله قرار گرفت. در دقیقه ۱۴ یورگن کولر با مصدومیت سختی گریبانگیر شد و جای خود را به مارکوس بابل، که در کنار رنه اشنایدر، با ۲۳ سال سن جوانترین بازیکنان اردوی آلمان بودند، داد. سامر در نخستین دیدار درخشان ظاهر شد و بارها و بارها مانع از پیشروی بازیکنان خلاق چک نظیر پاتریک برگر، پاول ندود و پاول کوکا شد. آلمان با دو گل کریستین زیگه و اندی مولر، که تقریبا شوت هایی به یک شکل بودند به برتری رسید. نمایش سامر اما در خط دفاعی به عنوان رهبر تیم در فاز دفاعی، باعث شد تا به عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شود و این شروعی فوق العاده برای تورنومنت سامر بود.

فوگتس پس از بازی گفت: «تمام مشکل من، بازی اول بدون یورگن کلینزمن بود. او بازیکنی است که شخصیتی متمایز با سایرین دارد و روی تمام حرفها و حرکات او در زمین می توان حساب کرد.»

در دومین بازی برابر روسیه کلینزمن بازگشت باشکوهی به ترکیب آلمان داشت. پس از مصدومیت کولر، مارکوس بابل به ترکیب دفاعی سامر، همراه با هلمر اضافه شد. رویتر و زیگه مانند بازی با چک دو فولبک آلمان بودند. دیتر آیلتس کار کشته، به عنوان هافبک دفاعی، فعالیت می کرد، توماس هسلر بازیگردان خط هافبک بود و جلوتر اندی مولر به عنوان مهاجم سایه تکمیل کننده زوج بیرهوف-کلینزمن در خط حمله بود. تلاش دو تیم در نیمه اول نتیجه ای در بر نداشت تا اینکه در دقیقه ۵۶، سامر پیش کشیده که مدام بین خط دفاع تا خط حمله در حرکت بود، روی یک پاس عرضی دیدنی با ضربه ای که با دفع دمیتری خارین، سنگربان روسیه همراه بود، روی ریباند گل اول بازی را به ثمر رساند. در ادامه دو گل کلینزمن منجر به پیروزی ۳-۰ آلمان و صادر شدن حکم صعود به مرحله بعد شد.

دیدار سوم در برابر ایتالیا، بازی حیثیتی گروه بود که برای لاجوردی پوشان که تنها با یک پیروزی و یک شکست، روی لبه تیغ قرار داشتند، اهمیت دو چندانی داشت. فوگتس تغییراتی را در تیم اعمال کرد. بابل از ترکیب بیرون رفت و اشتفان فروند، هم تیمی سامر در دورتموند، جای او را گرفت. توماس اشترونز و فردی بوبیچ هم به ترکیب مانشافت اضافه شدند. اخراج اشترونز در دقیقه ۵۹، در لحظاتی که ایتالیا به گل برای صعود احتیاج داشت، کار را برای خط دفاعی آلمان سخت تر نمود. ایتالیا صاحب یک ضربه پنالتی شد و کوپکه با درخشش خود، مانع گلزنی جانفرانکو زولا شد. در ادامه خط دفاعی آلمان به رهبری سامر، نمره قبولی گرفت و نهایتا بازی با تساوی بدون گل خاتمه یافت تا ایتالیا از دور رقابت ها کنار برود و آلمان به عنوان صدرنشین و بدون گل خورده که سهم بزرگی از آن متوجه ماتیاس سامر بود، راهی دور بعدی شود.

آزمون بزرگ آلمان از راه رسید و حریف دور یک چهارم نهایی، کرواسی چغر و شگفت انگیزی بود که با ترکیب پرقدرتش سودای سد کردن راه ژرمن ها و کسب موفقیت را در سر می پرورانید. کرواسی بلاژویچ دقیقا چینشی مشابه با آلمان فوگتس داشت و آنها هم به دفاع ۳ نفره همراه با دو مدافع کناری روی آورده بودند. بدون نیاز به فکر کردن مشخص بود که کروات ها مانعی بسیار سرسخت هستند. فوگتس، مارکوس بابل را به خط دفاعی مطمئن آلمان، همراه با هلمر و سامر، برگرداند. با خارج شدن توماس هسلر از فرم خود به دلیل مصدومیت، فوگتس با وضعی بحرانی مواجه شد، کما اینکه در بازی های گذشته هم با این مشکلات مواجه بود و ینس تودت، هافبک فرایبورگ به لیست آلمان اضافه شده بود.

مهمت شول جای هسلر را در پستش گرفت و بوبیچ هم چون دیدار با ایتالیا، زوج کلینزمن در خط حمله شد. این بازی مطمئنا شاخص ترین و درخشان ترین بازی ماتیاس سامر در این رقابت ها بود. سامر در خط دفاعی مستحکم و غیر قابل نفوذ عمل کرد و بارها با تکل ها و ضربات سر خود، مانع فروپاشی دروازه آلمان و خلق موقعیت برای کروات ها شد. بدون بازی بی نقص سامر صعود و شانس موفقیت ژرمن ها به حداقل می رسید و سامر یکی از بهترین نمایش های تاریخ یورو را در آن بعد از ظهر اولدترافورد، ارائه کرد.

پنالتی یورگن کلینزمن در دقیقه ۲۰، باعث شد تا ژرمن ها جلو بیفتند. حضور کلینزمن در زمین، تنها ۱۹ دقیقه دیگر ادامه داشت و در این لحظه شوک مصدومیت کلینزمن، باعث بهت فوگتس شد. فوگتس احتیاط را چاشنی کار کرد و به جای کلینزمن، اشتفان فروند دفاعی را به میدان فرستاد و نیمه اول با همان یک گل پایان یافت. با شروع نیمه دوم فشار کرواسی برای جبران گل خورده افزایش یافت، تا اینکه در نهایت در دقیقه ۵۱ پاس رو به عقب سامر با اشتباه مرگبار فروند در دفع توپ، به داوور شوکر فرصت طلب رسید تا او با یک دریبل دیدنی از سد کوپکه بگذر و کار را به تساوی بکشاند.

شطرنج فوگتس-بلاژویچ به اوج خود رسید تا اینکه در دقیقه ۵۶ کروات ها با اخراج ایگور استیماچ، مدافع خود ۱۰ نفره شد و تنها ۳ دقیقه بعد ماتیاس سامر جلو کشیده، بازی خوب خود را تکمیل کرد و با روی یک ضربه، روی توپی که از سمت راست ارسال شده بود، دروازه کرواسی را گشود تا آلمان با شایستگی و البته با کوهی از مصدومیت، به نیمه نهایی برسد. در پایان بازی سامر به عنوان بهترین بازیکن زمین لقب گرفت و برای دومین بار در چهار بازی، به این عنوان رسید.

در ۲۶ ژوئن آلمان-انگلیس، برگزار کننده دیدار نیمه نهایی در ومبلی بودند. فوگتس کمی احتیاط را چاشنی کار کرد و فروند را جلوتر از ترکیب سه نفره سامر، هلمر و بابل، در کنار دیتر آیلتس، به میدان فرستاد. اشتفان رویتر هم از ترکیب آلمان خارج شد و دست فوگتس را که کلینزمن کلیدی را هم در اختیار نداشت، بیش از پیش خالی گذاشت. اشتفان کونتز، تک مهاجم آلمان بود و پشت سر او مهمت شول و اندرئاس مولر، انتخاب های فوگتس بودند. خیلی زود انگلستان روی ارسال کرنر پل گاسکوئین و ضربه سر آلن شیرر، در دقیقه ۳ به گل رسید، اما خیلی زود و در دقیقه ۱۱ اشتفان کونتس روی حرکت اندی مولر و پاس توماس هلمر جلو کشیده به گل تساوی رسید.

ماراتون نفس گیر دو دشمن قدیمی، در ادامه بازی و وقت های اضافه به نتیجه ای نرسید تا ژرمن ها نهایتا در ضربات پنالتی، فاتح نبرد ومبلی شوند و پای به دیدار پایانی بگذارند. سامر در مجموع بازی قابل قبولی از خود به نمایش گذاشت اما بدون هیچ شک و تردیدی مرد اول بازی، دیتر آیلتس بود که با کنترل میانه میدان بارها و بارها جلوی نفوذ یاران تری ونبلز را گرفت و به عنوان مرد برتر زمین هم انتخاب شد.

دیدار پایانی در تاریخ ۳۰ ژوئن ۹۶، باز هم در ومبلی بین آلمان با جمهوری چک که آن ها با ضربات پنالتی در نیمه نهایی مقابل فرانسه، پای به دیدار پایانی نهاده بودند، انجام شد. خبر خوشحال کننده برای فوگتس، بازگشت توماس هسلر و یورگن کلینزمن به ترکیب اصلی ژرمن ها بود. بازی در نیمه اول تقریبا پایاپای پیش رفت تا اینکه در نیمه دوم نفوذ چک ها به وسیله کارل پوبورسکی از سمت چپ محوطه آلمان و خطای سامر منجر به پنالتی برای جمهوری چک شد. این پنالتی بحث های زیادی را در بر داشت، چون به طور واضحی خطا پشت محوطه صورت گرفته بود. با این حال چک سر حال و اوج گرفته با این پنالتی و ضربه پاتریک برگر، در دقیقه ۵۹ به گل رسید. در دقیقه ۷۳ یک ضربه آزاد نصیب ژرمن ها شد و سانتر کریستین زیگه را الیور بیرهوف تازه به میدان آمده تبدیل به گل کرد تا با این گل حیاتی بازی به وقت اضافه برود و در نهایت خود بیرهوف در دقیقه ۹۵، تیر خلاص را با گل طلایی به پیکر جمهوری چک وارد کرد و آلمان پس از ۲۰ سال به سومین قهرمانی خود در اروپا رسید.

برتی فوگتس انتقام شکست فینال ۱۹۷۶ را در مقابل چکسلواکی، این بار در قامت سرمربی گرفت. فوگتس پس از فینال گفت: «بهترین تیم جام، به قهرمانی رسید و این عنوان شایسته ای برای ماست، چرا که هر یک از بازیکنان در جهت پیشبرد اهداف مجموعه تیم، از خود ایثار و گذشت به خرج دادند. من بارها اعلام کرده ام که ستاره مورد علاقه ام تیم است و این استنباطی است که عقل به من حکم می کند.. ما عملا با ۹ بازیکن، بازی کردیم، چون کلینزمن و توماس هسلر دچار آسیب دیدگی بودند و حضور چندان فعالی در بازی نداشتند.»

بسیاری سیستم تیم ها را در یورو ۹۶ تدافعی می پنداشتند، از جمله پله اعتقاد داشت اکثر تیم ها رویکرد تدافعی داشتند و اغلب به سیستم ۱-۵-۴ روی آورده و محافظه کار بودند. مرد اول جام هم بدون شک یک سوئیپر بزرگ به نام ماتیاس سامر بود، که به عنوان بازیکن برتر جام هم انتخاب شد. نمایش های سامر، یاد و خاطره فرانتس بکن باوئر بزرگ، در دهه ۷۰ را برای بسیاری تداعی کرد و بسیاری او را وارث بکن باوئر پنداشتند. مسلما بدون سامر کار برای برتی فوگتس در راه این قهرمانی بسیار دشوار و دور از ذهن بود. طوری که خود فوگتس هم به آن اعتقاد دارد: «او بازیکنی ایده آل است. بهترین بازیکن از زمان بکن باوئر به این طرف. او بازیکنی تکنیکی، جنگجو و خونسرد است که مغزش به خوبی کار می کند.» در جایی دیگر فوگتس اضافه می کند: «من نمی دانم آیا او شطرنج هم بازی می کند یا خیر، اما حس ششم تاکتیکی اش از او یک بازیکن شطرنج مادرزاد ساخته است. سامر شخصیت فوتبال آلمان است.»

سام